فرهنگ یهودی مملو از افسانه های کشتار دسته جمعی یهودیان

در مقاله‌ای در نشریه بارنز ریویو اینگونه آمده است که در اکتبر سال 1919، مارتین گلین فرماندار نیویورک ، در یک سخنرانی در شهر آلبانی این ایالت در مورد " کشتار شش میلیون مرد و زن یهودی " اعلام کرد که در جنگ جهانی اول در اثر ظلم و ستمی وحشتناک و یهودی‌کشی متعصبانه، کشته شده‌اند. سخنرانی گلین که با عنوان " مصلوب نمودن یهودیان باید متوقف شود " بود در 31 اکتبر 1919 در مجله امریکن هیبرو مگزین، که توسط کمیته یهودیان آمریکا منتشر می‌شد به چاپ رسید. حقیقت این است که در جریان جنگ جهانی اول 6 میلیون یهودی کشته نشده‌اند؛ و هیچ مورخ مهمی نیز چنین چیزی را قبول ندارد. اما در واقع در جریان جنگ جهانی اول افسانه " شش میلیون یهودی " تبلیغی احساسی و تأثیرگذار بود. اندکی پس از جنگ جهانی دوم، نظریه " شش میلیون یهودی " حیاتی جدید یافت.

اگر به تاریخ نگاه کنید می‌بینید که فرهنگ نژادی یهود مملو از افسانه‌های کشتار دسته‌جمعی یهودیان است. داستان " هولوکاست " (جنگ جهانی دوم) که امروزه مطالب زیادی در مورد آن می‌شنوید تنها یک گونه تغییر یافته از یک موضوع بسیار قدیمی است.

در تلمود – یعنی همان مبنا و اساس آموزه‌های مذهبی یهود - از کشتار 4 میلیارد یهودی به دست رومیان در زمان امپراتور هیدریان سخن گفته شده است. تلمود این ماجرا را اینگونه توصیف می‌کند که سیلابی از خون که به دریا می‌ریخت تخته سنگ‌های بزرگ را با خود حمل می‌کرد و تا فاصله 4 مایلی آب دریا را رنگین ساخته بود؛ اجساد شهیدان یهودی برای ساختن حصار اطراف تاکستان هیدریان استفاده می‌شد و خونی که از سیلاب خون بدست آمده بود برای حاصلخیز کردن انگورهای هیدریان بکار می‌رفت. همچنین ادعا می‌شود که 64 میلیون کودک یهودی بثار (Bethar) که در لفافه‌ای مذهبی پیچیده شده بودند، زنده زنده توسط رومیان سوزانده شدند.

آیا شما کشتار 4 میلیارد یهودی توسط رومیان را باور دارید؟ اگر اینگونه است شما " منکر هولوکاست " هستید.

در سال‌های اخیر رسانه‌ها بیش از پیش به خطر "انکار هولوکاست " (که در مورد رنج و عذاب یهودیان در جنگ جهانی دوم است) توجه می‌کنند. سیاستمداران و رسانه‌ها نسبت به افزایش نفوذ کسانی که جنبه‌های گوناگون داستان هولوکاست را زیر سوال برده‌اند هشدار می‌دهند. در چندین کشور مثل کانادا، فرانسه، آلمان و اتریش، "انکار هولوکاست " خلاف قانون است. سنت‌شکنانی که مرتکب چنین جنایت اعتقادی شده‌اند محکوم به جرایم سخت و زندان‌های طولانی مدتی می‌شوند که هم‌سنگ مجازات کودک‌آزارها، متجاوزان جنسی و قاتلان است.

اگر فکر می‌کنید که اتهام "منکران هولوکاست " تنها این است که نسبت به آنچه آدولف هیتلر در جنگ جهانی دوم با یهودیان اروپا کرده – یا نکرده - است ابراز تردید کرده‌اند، خودتان را برای یک شوک آماده کنید. واقعیت این است که عبارت "منکر هولوکاست "، لااقل از دیدگاه دبورا لیپشتات، معنایی فراتر از این دارد؛ او نویسنده کتاب پرفروش انکار هولوکاست است که گفته می‌شود در این خصوص کلام آخر را می‌زند.

بسیاری از مردم به اشتباه معتقدند که لیپشتات و دیگرانی که ظاهراً با "انکار هولوکاست " مبارزه می‌کنند، تنها از بحث آزاد و عمومی در مورد جزئیات تاریخی آنچه ما با عنوان "هولوکاست " از آن یاد می‌کنیم، ممانعت می‌کنند. مسئله اصلاً اینگونه نیست. در واقع به اعتقاد لیپشتات اگر شما همانند مورخان تجدیدنظرطلب یکی از عقاید زیر را داشته باشید منکر هولوکاست هستید:

• بذرهای جنگ جهانی دوم با رفتار ناعادلانه‌ای کاشته شد که پس از جنگ جهانی اول با آلمان صورت گرفت.

• آدولف هیتلر در سال 1939 نمی‌خواست علیه لهستان و انگلستان وارد جنگ شود.

• فرانکلین رزولت و وینستون چرچیل مخفیانه فعالیت‌هایی می‌کردند تا آمریکا را (برخلاف خواست حدود 90٪ از مردم آمریکا در آن زمان) وارد جنگ در اروپا کنند.

• رزولت تمعداً صحنه را برای حمله ژاپن به بندر پیرل آماده ساخت تا آمریکا مجبور به جنگ علیه متحدین شود.

لیپشتات در کتاب انکار هولوکاست می‌گوید که این نگرش‌های تاریخی که در سال 1952 در کتاب شگفت‌آور و تجدیدنظرطلبانه پشت‌پرده جنگ آمده - و هیچ ارتباطی با این مسئله ندارد که هیتلر شش میلیون یهودی را کشته است یا خیر - "استدلال‌هایی هستند که عناصر اصلی انکار هولوکاست را تشکیل می‌دهند "؛ این کتاب توسط چارلز کالن تانسیل، استاد تاریخ دانشگاه جرج‌تون نوشته شده است.

بنابراین خودتان را گول نزنید. حتی اگر هرگز مستقیماً "هولوکاست " را زیر سوال نبرده باشید، اگر برحسب اتفاق این جرأت را داشته باشید که به لحاظ تاریخی موضعی اتخاذ کنید که برخلاف موضع به لحاظ سیاسی درستی باشد که به دیگران تحمیل شده است بازهم در معرض این خطر قرار دارید که انگ "انکار هولوکاست " به شما زده شود؛ کسانی که این موضع به لحاظ سیاسی درست را تعیین می‌کنند همان کسانی هستند که تعیین می‌کنند مردم در مورد وقایع تاریخی، ازجمله هولوکاست – و البته نه فقط هولوکاست - چه چیزی باید بگویند و یا نگویند.

و توجه داشته باشید که اگر بگویید دیکتاتور شوروی، ژوزف استالین بیش از آدولف هیتلر انسان کشته است، بازهم در معرض خطر اتهام "انکار هولوکاست " قرار دارید. به عقیده لیپشتات تفاوتی میان هیتلر و استالین وجود دارد: "اگرچه استالین نیز با اختیار خود و مستبدانه به کشتار پرداخته است اما کشتارهای صورت گرفته توسط هیتلر علیه یک گروه خاص بوده است ... در حقیقت استالین نسبت به نازی‌ها تعداد بیشتری از مردم را کشته است. اما مسئله این نیست ... اگر بگوییم که تمام این کشتارها شبیه هم بوده‌اند، به تحریف تاریخ دست زده‌ایم. "

به عبارت دیگر، به نظر لیپشتات، یهودیانی که در جنگ جهانی دوم کشته شده‌اند از حدود 55 میلیون انسان دیگری که در جریان جنگ کشته شدند مهمتر هستند؛ و البته اگر به حدود 200 میلیون نفری غیریهودی که توسط رژیم‌های خونریز شوروی و ارتش سرخ چین قتل‌عام شدند اشاره نکنیم.

یا به این نکته توجه کنید: اگر – مثل مورخ مشهور آلمانی، ارنست نولت - جرأت داشته باشید که بگویید هرچند بازداشت ژاپنی‌های آمریکا توسط آمریکایی‌ها پس از ماجرای بندر پیرل اشتباه بود، این کار بی‌شباهت به بازداشت یهودیان توسط آلمانی‌ها پس از اعلام شفاهی جنگ علیه آلمان از سوی یهودیت سازمان‌یافته در سال 1933 نبود، در این صورت شما "مرز میان حقیقت و خیال را مبهم کرده‌اید " و هرچند مستقیماً و آشکارا هولوکاست را انکار نکرده‌اید، نتیجه کار شما با انکار هولوکاست یکی است. لیپشتات می‌گوید که اشاره به چنین واقعیات تاریخی "در وضعیت مبهم میان انکار مستقیم و نسبی (هولوکاست) قرار دارد " و اینکه "از برخی لحاظ این انکار بیش از آنکه مستقیم باشد، خائنانه است " چراکه باعث ایجاد چیزی می‌شود که لیپشتات آن را "نوعی تاریخ ساختگی می‌داند که شناخت انگیزه‌های آن مشکل است ". به عقیده لیپشتات جرایمی اعتقادی مثل جرأت اشاره به این مطلب که در حقیقت "هولوکاست‌های " واقعی (ولی فراموش شده) زیادی در تاریخ وجود دارند که منحصراً شامل رنج و عذاب یهودیان نیستند و یا این مطلب که علت مرگ اکثر یهودیان (و بسیاری دیگر) در جریان جنگ جهانی دوم، بیماری و گرسنگی (نه اعدام) بوده است، نیز در محدوده این وضعیت مبهم قرار دارند.

لیپشتات می‌گوید کسانی که چنین موضوعاتی را طرح می‌کنند به "استدلال‌های نیم‌تاریخی مبهم‌تری وارد می‌شوند که انسان‌های خوش‌نیت و به لحاظ تاریخی جاهل را نسبت به انگیزه‌هایشان دچار آشفتگی می‌کند. " به عبارت دیگر، لیپشتات به روشنی با هدف مرشد فلسفی TBR، مرحوم دکتر المر بارنز مخالف است که به دنبال تطبیق تاریخ با واقعیات بود. براساس معیارهای لیپشتات هرکه جرأت تطبیق تاریخ با واقعیات را داشته باشد، یقیناً "انگیزه‌هایی " دیگر دارد. بدین واسطه این افراد "یهودستیز " هستند.

بطور خلاصه، اگر شما بخشی از تاریخ "رسماً تأیید شده " هولوکاست یا جنگ جهانی دوم (یا از آن بابت جنگ جهانی اول) را زیر سوال ببرید – اهمیتی ندارد که این بخش تاریخ تا چه اندازه اشتباه و یا حتی مهمل و غیرطبیعی باشد - بنا بر تعریف شما یک یهودستیز یا یک یهودستیز بالقوه، یعنی فردی ملعون هستید.

حقیقت این است که واقعیت‌های مربوط به هولوکاست – که لیپشتات بدون توجه با آن‌ها مخالفت می‌کند - نشان می‌دهند که عبارت "منکر هولوکاست " یک نام به لحاظ معنایی اشتباه و گمراه‌کننده نیست، بلکه توصیفی ساده از یک فرد صادق و راستگوست، چرا که هولوکاست یک دروغ بزرگ است.

در سالهای 46-1945 در دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ، رقم شش میلیون ذکر شده است. در این دادگاه‌ها کشف شد که سیاست‌های اتخاذی دولت آلمان "منجر به کشتار 6 میلیون یهودی شده است که از این تعداد 4 میلیون نفر در سازمان‌های نابودسازی کشته شده‌اند. "

اگر آن یافته‌ها تکذیب‌ناپذیر هستند آنگاه برخی از برجسته‌ترین حامیان امروزی هولوکاست را می‌توان "منکر هولوکاست " دانست. برای مثال:

• پروفسور رائول هیلبرگ نویسنده کتاب مرجع نابودسازی یهودیان اروپا تعداد کل مرگ و میرها (با هر دلیلی) را 5.1 میلیون نفر می‌داند.

• جرالد ریتلینگر، نویسنده کتاب راه‌حل نهایی نیز به همین صورت رقم شش میلیون را قبول ندارد. او برآورد می‌کند که تعداد یهودیانی که در دوران جنگ مرده‌اند باید حدود 4.6 میلیون باشد اما می‌پذیرد که این رقم صرفاً حدسی است.

آیا اگر کسی بگوید که هیچ سندی مبنی بر دستور آدولف هیتلر برای نابودسازی یهودیان اروپا وجود ندارد، منکر هولوکاست است؟ زمانی پاسخ این سوال "بله " بود. حال به این مطلب توجه کنید: در نسخه سال 1961 کتاب نابودسازی یهودیان اروپا نوشته رائول هیلبرگ آمده است که دو دستور از سوی هیتلر برای نابودسازی یهودیان اروپا وجود داشته است: دستور اول در بهار سال 1941 صادر شده و دومی اندکی پس از آن. با این حال هیلبرگ فهمیده است که واقعیت‌های جدیداً کشف شده، از این اتهام حمایت نمی‌کنند، و در ویرایش کتاب در سال 1985 هیچ اشاره‌ای به این دستورات نکرده است.

همانطور که دیگر مورخ حامی هولوکاست، یعنی کریستوفر برونینگ اظهار داشته است، در ویرایش جدید کتاب هیلبرگ تمامی ارجاع‌ها به تصمیم یا دستور هیتلر برای "راه‌حل نهایی " حذف شده است. تنها در پایین یک پاورقی یک ارجاع به این صورت داده شده است: "شرح وقایع و شرایط به یک تصمیم هیتلر پیش از پایان تابستان اشاره دارد. " همچنین در ویرایش جدید این عبارت متناقض آورده شده است: "تصمیمات، گرفته نشده و دستورات، داده نشده بود. " با وجود بدست آمدن اسناد آلمانی بسیار زیاد پس از جنگ، از جمله صدها هزار سندی که توسط شوروی بدست آمد – و تمامی آن‌ها توسط این مجله بررسی شده است - واقعیت این است که هیچ کس نمی‌تواند هیچ مدرک مستندی برای طرح یا برنامه نابودسازی در دوران جنگ مشخص کند. درواقع لیست واقعیت‌های تاریخی که توسط کسانی که "منکر هولوکاست " شناخته می‌شوند، دسته‌بندی شده است و واقعیت‌هایی که اکنون حتی از سوی مورخانی که در خط مقدم حمله با انکار کنندگان هولوکاست بوده‌اند، تأیید شده است، بسیار چشمگیر است.

در این شماره ما تاریخ "هولوکاست " را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار داده و افسانه هولوکاست را با واقعیت‌ها تطبیق داده‌ایم. این واقعیت‌ها هم "هولوکاست " و هم جنبش تاریخی کنونی را که با عنوان "انکار هولوکاست " شناخته می‌شود، روشن‌تر ساخته است. مجله بارنز ریویو (TBR) واقعیت "هولوکاست " را منتشر می‌کند. در پایان، تعیین مداوم حقایق جدید در مورد آنچه در "هولوکاست " رخ داده و رخ نداده است، نه تنها نتیجه بحث را مشخص می‌کند بلکه پایان برنامه شریرانه و هدفمند نفرت تبلیغاتی و در همان حال پیروزی حقیقت تاریخی خواهد بود.

مسئله کاملاً روشن است: کسانی که با واقعیت‌های مربوط به "هولوکاست " که رئوس مطالب آن در این شماره TBR آورده شده است، مواجه می‌شوند، نمی‌توانند مجموعه واقعیت‌های مربوط به جنگ جهانی دوم، از جمله آلمان، هیتلر، چرچیل، رزولت و استالین را به همین شکل درک کنند.

دیوید ایروینگِ مورخ، در دادخواست قانونی خود علیه دبورا لیپشتات حامی هولوکاست، پیروز نشد. با این حال بحث "انکار هولوکاست " را به بحث روز تبدیل کرد. پیش از محاکمه، حامیان نظریه نابودسازی یهودیان، شدیداً از "بحث " یا پاسخ به سوالات کسانی که مظنون به تجدیدنظرطلبی بودند خودداری می‌کردند. حقایق، موضوع بحث نبودند. محاکمه ایروینگ باعث شد که صنعت هولوکاست با حقایق روبرو شود. بطور خلاصه ایروینگ و اندیشه‌ای تاریخی که مدت‌ها تحت شکنجه بود، هرچند در داوری حقوقی برنده نشدند اما در بحث و استدلال پیروز شدند.

منبع : خبرگزاری فارس

This document was created with Win2PDF available at http://www.daneprairie.com.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.